

ترجمه درس‌های فصل پنجم

درس ۳۳

باب یازدهم در نماز جماعت است و در آن چند فصل است:

فصل اول [در فضیلت نماز جماعت]

بدان که جماعت از مستحبات مؤکده است در جمیع فرائض، به خصوص در یومیه و به خصوص در ادائی، سیما در نماز صبح و مغرب و عشاء؛ خصوصاً برای هم‌سایگان مسجد و کسانی که اذان مسجد را بشنوند. و اخبار در فضیلت جماعت و مذمت تارک آن بسیار است و از بس تأکید در آن وارد شده، نزدیک است که از واجبات شمرده شود و به روایت صحیح، منقول است که زیادتی ثواب نماز جماعت بر نماز منفرد بیست و چهار درجه است و مروی است که زراره به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مردم روایت می‌کنند که نماز جماعت از نماز فرادی افضل است به بیست و پنج درجه. حضرت فرمود: راست گویند. عرض کردم: آیا به دو مرد جماعت محقق می‌شود؟ فرمود: بلی، و مأموم به طرف راست امام بایستد.

و منقول است که محمد بن عماره گوید: کسی را به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام فرستادم از آن بزرگوار سؤال کردم: کسی که در مسجد کوفه نماز فرادی بخواند افضل است یا به جماعت در غیر آن؟ آن حضرت فرمود: نماز جماعت افضل است با آن که وارد شده که نماز در مسجد کوفه معادل هزار نماز است. و در بعض اخبار است که معادل دو هزار نماز است. بلکه در خیر است که حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل با هفتاد ملک بعد از نماز ظهر نازل شد و عرض کرد یا محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم! پروردگارت سلام می‌رساند و دو هدیه بسوی جناب تو فرستاده. به او گفتم: آن دو هدیه کدام است؟ گفت: یکی سه رکعت نماز وتر است و دیگری نمازهای پنجگانه به جماعت. گفتم: ای جبرئیل! چه ثواب است برای امت من در جماعت؟ عرض کرد: یا محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم! اگر دو نفر باشند، بنویسد خدا برای هر کدام به هر رکعتی ثواب صد و پنجاه نماز و اگر سه نفر باشند، خداوند عالم بنویسد برای هر کدام به هر رکعتی ثواب ششصد نماز و اگر چهار نفر باشند، می‌نویسد خداوند برای هر کدام ثواب هزار و دویست نماز و اگر پنج نفر باشند، می‌نویسد خدا برای هر کدام ثواب دو هزار و چهار صد نماز و اگر شش نفر باشند، می‌نویسد خدا برای هر کدام از آنها به هر رکعتی چهار هزار و هشتصد نماز و اگر هفت نفر باشند، بنویسد خدا برای هر کدام از آنها به هر رکعتی نه هزار و ششصد نماز و اگر هشت نفر باشند، بنویسد خدا برای هر کدام از ایشان به هر رکعتی نوزده هزار و دویست نماز و اگر نه نفر باشند، بنویسد خدا برای هر کدام به هر رکعتی سی و شش هزار و چهار صد نماز و اگر ده نفر باشند بنویسد خدای برای

هر کدام از ایشان به هر رکعتی هفتاد و دو هزار و هشتصد نماز. و هر گاه زیادتیر از ده نفر شوند اگر تمام دریاها مرکب شوند و درختها قلم گردند، و جنّ و انس با ملائکه نویسنده، از نوشتن ثواب یک رکعت آن عاجز شوند.

یا محمدصلی اللّٰه علیہ و آله و سلم! یک تکبیر را که مؤمن با امام دریابد بهتر است از شصت هزار حج و عمره و بهتر است از دنیا و آن چه در آن است به هفتاد هزار مرتبه. و یک رکعت که مؤمن با امام به جا آورد بهتر است از صد هزار دینار که صدقه دهند به مساکین و یک سجده که مؤمن با امام به عمل آورد به جماعت بهتر است از آزاد کردن صد بنده. و جایز نیست ترک نماز جماعت به سبب اعراض از آن یا استخفاف به آن. و اخبار بسیار دیگری بر این مضامین وارد است پس مقتضای ایمان، آن است که جماعت را بدون عذر ترک نکنند به خصوص با استمرار بر ترک آن، که وارد شده است: اهتمام شیطان در منع هیچ عبادتی مثل منع جماعت نیست و القاء شبهات بر بندگان خدا می نماید از جهت عدالت و نحو آن زیرا که نمی توانند فضیلت جماعت را منکر شوند چون که از ضروریات دین است.

موارد وجوب جماعت

مسأله ۱:

در نماز جمعه جماعت واجب و شرط صحت آن است و هم چنین در نماز عیدین با اجتماع شرایط وجوب. و هم چنین واجب است به جماعت گذاردن نماز، بر کسی که قرائت او درست نباشد با آن که قدرت بر تعلّم داشته باشد و لکن وقت او برای تعلّم تنگ باشد بخلاف صورتی که از تعلّم عاجز باشد که جماعت بر او واجب نیست هر چند احوط است. و گاهی واجب می شود به جماعت گذاردن نماز به نذر یا عهد یا یمین، ولی اگر خلاف کند نماز او صحیح است هر چند عمداً ترک جماعت کند. و در صورت عمد، کفاره بر او لازم است. و ظاهراً جماعت واجب باشد در صورتی که ترک وسواس موقوف بر آن باشد. و هم چنین واجب است جماعت در صورتی که کمتر از یک رکعت به آخر وقت مانده و امام جماعتی حاضر و در رکوع باشد که بر فرض به جماعت آوردن یک رکعت را درک می کند یا به سبب آن که خودش کند قرائت باشد، بلکه دور نیست وجوب جماعت به امر یکی از والدین.

موارد عدم جواز جماعت

[مسأله ۲] مسأله ۲ مشروع نیست جماعت در نمازهای ندبی اصلی، هر چند واجب شود به نذر و امثال آن؛ حتی در نماز غدیر بنا بر اقوی، مگر در نماز استسقاء. بلی، باکی نیست به جماعت کردن [خواندن] نمازی که در اصل واجب بوده و بالعرض مستحب شود، مثل نماز عیدین در زمانی که شرایط وجوب آن موجود نباشد. و مثل آن که نمازی را به فرادی کرده [خوانده] و به جماعت اعاده کند. و مثل قضاء فوائت میت که کسی تبرّعاً به جا آورد. و مثل نمازی که از باب احتیاط استحبابی بخواهد اعاده کند.

موارد جواز جماعت

[مسأله ۳] مسأله ۳ جایز است اقتداء کردن هر کدام از نمازهای یومیه را، به کسی که نماز دیگر از یومیه به جا می‌آورد؛ هر کدام باشد، هر چند در جهر و اخفات و در اداء و قضاء و در قصر و اتمام بلکه در وجوب و ندب با هم مختلف باشند. پس جایز است اقتداء کردن نماز صبح یا مغرب یا عشاء را به نماز ظهر یا عصر و به عکس آن. و جایز است اقتداء کردن نماز اداء به کسی که نماز قضاء می‌کند [می‌خواند] و به عکس آن. و جایز است اقتداء مسافر به حاضر و به عکس آن. و جایز است اقتداء کردن کسی که نماز را اعاده می‌کند به کسی که نماز نکرده [نخوانده] و به عکس آن. و اقتداء کردن کسی که نماز خود را با احتیاط استحبابی یا وجوبی اعاده می‌کند به کسی که نماز واجب به جا می‌آورد. بلی، مشکل است جواز اقتداء کردن کسی که نماز واجب به جا می‌آورد به کسی که نماز را به احتیاط استحبابی یا وجوبی به جا می‌آورد، بلکه مشکل است اقتداء کردن نماز احتیاطی به نماز احتیاطی؛ مگر آن که راه احتیاط هر دو یکی باشد.

[مسأله ۴] مسأله ۴ اگر ببیند امام مشغول نماز است و نداند، غیر یومیه است یا نافله؟ اقتداء به آن نماز نمی‌تواند بکند. و هم چنین اگر بداند که از فرایض است و لکن احتمال دهد از فرایضی باشد که اقتداء نماز خود به آن صحیح نباشد. بلی، اگر بداند که نماز یومیه است و لکن نداند کدام یک از آنها است؟ یا آن که اداء است یا قضاء؟ یا آن که قصر است یا تمام؟ اقتداء به آن جایز است و لازم نیست پیش از نماز بفهمد کدام است؟ چنانکه لازم نیست وقت اقتداء بداند کدام رکعت آن است؟

درس ۳۴

بعضی از شرایط نماز جماعت

مسئله ۱: کمتر [ین] عددی که جماعت به آن منعقد می‌شود در غیر نماز جمعه و عیدین، دو نفر است که یکی از آنها امام باشد و دیگری مأموم چه مأموم مرد باشد یا زن، بلکه یا طفل ممیز بنا بر اقوی به خلاف نماز جمعه و عیدین که منعقد نمی‌شود مگر به پنج نفر که یکی از آنها امام باشد.

مسئله ۲: شرط نیست در انعقاد جماعت در غیر جمعه و عیدین بر امام که نیت جماعت و امامت کند پس بدون نیت به اقتداء دیگری به او جماعت محقق می‌شود چه امام ملتفت اقتداء مأموم شود یا نه. بلی، حصول ثواب جماعت در حق او موقوف است به نیت امامت و اما مأموم لا بد است از نیت اقتداء و بدون آن جماعت در حق او منعقد نمی‌شود هر چند متابعت کند امام را در افعال و اقوال پس هر گاه تمام آن چه بر منفرد واجب است به جا آورد صحیح است و **أَلَا فُلٌ** و معتبر است اقتداء کردن به یک امام پس اگر قصد کند اقتداء به دو نفر را و لو در اقوال و افعال با یکدیگر متقارن باشند، جماعت باطل است. بلی، در صورتی که به وظیفه‌ی منفرد عمل نموده و قصد تشریح به آن نکرده باشد نمازش صحیح است. و واجب است بر مأموم تعیین امام به اسم یا وصف یا اشاره به ذهن یا اشاره‌ی خارجی. و کفایت می‌کند تعیین اجمالی مثل آن که نیت اقتداء کند به امام حاضر یا به امامی که مثلاً بلند نماز می‌خواند ما بین پیشنمازهای موجود و امثال آن پس اگر نیت کند اقتداء به یکی از این دو امام یا زیادتر را، جماعت او باطل است هر چند قصدش آن باشد که در اثناء نماز یا بعد از آن معین کند.

مسئله ۳: جایز نیست اقتداء به مأموم پس معتبر است که امام او، مأموم دیگری نباشد.

مسئله ۴: اگر قصد کند اقتداء به امامی به خیال آن که زید است و ظاهر شود که عمرو بوده پس هر گاه عمرو عادل نباشد، جماعت او باطل است بلکه اگر به وظیفه منفرد عمل نکرده، نماز او نیز باطل است به خلاف آن که به وظیفه‌ی منفرد عمل کرده که اقوی صحت نماز او است چنانچه اگر در اثناء نماز ملتفت شود که عمرو بوده که او را عادل نمی‌داند هر گاه به وظیفه‌ی منفرد عمل کرده نماز را به فرادی تمام کند و اگر نیز عادل باشد در مسئله دو صورت است: اول آن که قصد او اقتداء به زید باشد و گمان کند که امام حاضر، زید است و او عمرو باشد، در این صورت جماعت او باطل است بلکه نماز او نیز باطل است اگر به وظیفه‌ی منفرد عمل نکرده باشد. صورت دوم، آن است که قصد او اقتداء به امام حاضر باشد و گمان کند که او زید است و ظاهر شود عمرو است در این صورت اقوی، صحت جماعت و نماز اوست و مناط، قصد اوست نه آن که خیال کرده از باب اشتباه در تطبیق.

موارد عدول

مسأله ۵: جایز نیست بر منفرد در اثناء نماز عدول کند به جماعت.

مسأله ۶: جایز است عدول کند از جماعت به فرادی و لو اختیاراً در جمیع احوال نماز بنا بر اقوی، هر چند از اول نماز قصد عدول داشته باشد لکن عدول به انفراد خلاف احتیاط است به خصوص در صورتی که از اول نماز قصد انفراد در اثناء نماز را داشته باشد. بلی، عدول کردن برای ضرورت و لو ضرورت دنیویه ضرر ندارد.

مسأله ۷: هر گاه بعد از قرائت امام و پیش از رکوع نیت فرادی کند قرائت بر او واجب نیست بلکه اگر در اثناء قرائت عدول به انفراد کند، باقی مانده از حمد و سوره را بخواند کافی است هر چند احوط در هر دو صورت از سر گرفتن قرائت است به خصوص با عدول در اثناء قرائت.

مسأله ۸: اگر مأموم امام را در حال رکوع درک کند جایز است اقتداء کند و به رکوع رود و بعد از آن اختیاراً عدول کند به انفراد، اگر چه احوط در این حال ترک عدول است به خصوص در صورتی که از اول نماز قصد عدول داشته باشد.

مسأله ۹: اگر قصد انفراد کند بعد از قرائت امام و نماز خود را تمام کند و نماز دیگر خود را در همان رکوع به همان رکعت اقتداء کند، جایز است و لکن خلاف احتیاط است.

مسأله ۱۰: بعد از آن که در نمازی از جماعت عدول کند به انفراد، جایز نیست در آن نماز برگردد به جماعت. بلی، اگر در حال جماعت مردد شود در عدول به انفراد و ترک آن و بعد از آن عازم شود بر باقی ماندن به جماعت، صحیح است بلکه هر گاه بعد از عدول به انفراد بلا فاصله برگردد به جماعت؛ دور نیست جایز باشد هر چند خلاف احتیاط است مطلقاً.

درس ۳۵

کیفیت اقتداء

مسئله ۱: اگر سهواً یا جهلاً نماز یومیه را اقتداء کند به نمازی که اقتداء به آن صحیح نیست مثل نافله یا نماز آیات مثلاً و پیش از آن که کاری کند که منافی نماز منفرد باشد متذکر شود و عدول به انفراد کند، صحیح است. و هم چنین در صورتی که بعد از نماز متذکر شود و وظیفه‌ی منفرد را به عمل آورده باشد صحیح است و الاً باطل است.

مسئله ۲: جایز است مأموم در رکوع به امام اقتداء کند و آن را رکعت اول خود حساب کند و آن آخر وقتی است که در ابتداء جماعت بتواند آن را رکعت حساب کند بنا بر اقوی، بشرط آن که مأموم قبل از سر برداشتن امام از رکوع به رکوع او برسد هر چند بعد از فراغت امام از ذکر رکوع باشد بنا بر اقوی. به خلاف آن که بعد از سر برداشتن امام از رکوع به رکوع برسد که در این صورت درک رکعت را نکرده بلکه هم چنین است اگر وقتی به رکوع رسد که امام شروع کرده باشد به بلند کردن سر؛ اگر چه هنوز از حد رکوع خارج نشده باشد که در این صورت نیز، درک رکعت را نکرده بنا بر احوط. پس ادراک رکعت در ابتداء جماعت موقوف است بر آن که مأموم پیش از شروع امام به سر بلند کردن، به رکوع برسد. اینها در صورتی است که در حال رکوع امام اقتداء کند و لکن هر گاه در اول رکعت یا در اثناء آن اقتداء کند و به حسب اتفاق رکوع امام را درک نکند بلکه در سجده‌ی امام به رکوع رسد، که ظاهر صحت نماز و جماعت او است و لکن در این صورت احوط اتمام نماز و اعاده‌ی آن است. و آن چه ذکر شد حکم رکعت اول مأموم است و در رکعات بعد از آن نرسیدن به رکوع امام مضرّ به جماعت نیست.

مسئله ۳: اگر مأموم اقتداء کند و به رکوع رود به گمان آن که به رکوع امام می‌رسد و نرسید، نماز او باطل است. بلکه اگر شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه؟ نیز، باطل است و لکن در صورت شک، احوط اتمام نماز و اعاده‌ی آن است یا آن که عدول کند به نافله و تمام کند و در رکعت بعد اقتداء کند.

مسئله ۴: احوط آن است که اقتداء نکند مگر با اطمینان به درک رکوع امام اگر چه اقوی، جواز اقتداء کردن است با احتمال درک رکوع. پس هر گاه درک کرد، نماز صحیح و الاً باطل است.

مسئله ۵: اگر نیّت کند و تکبیر بگوید و پیش از رفتن به رکوع یا پیش از رسیدن به حد رکوع، امام سر بلند کند لازم است یا قصد انفراد کند و نماز خود را تمام کند یا همین طور بایستد تا رکعت بعد و رکعت بعد را رکعت اول خود قرار دهد مگر در صورتی که امام آن قدر طول دهد که از صدق اقتداء عرفاً خارج شود. و هر گاه پیش از تکبیر الاحرام بداند که به رکوع امام نمی‌رسد، دور نیست اقتداء جایز باشد و انتظار رکعت بعد را بکشد در صورتی که طول نکشد به قدری که موجب فوت صدق اقتداء شود هر چند خلاف احتیاط است.

مسأله ۶: اگر درک کند امام را در تشهد اخیر، جایز است اقتداء کند، به آن که نیت نماز کند و تکبیره الاحرام بگوید و بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام امام برخیزد بدون نیت و تکبیر، حمد و سوره‌ی خود را بخواند و به رکوع و سجود رود و آن را رکعت اول قرار دهد و فضیلت جماعت را درک کرده اگر چه رکعت را با امام درک نکرده.

مسأله ۷: اگر درک کند امام را در سجده‌ی اولی یا ثانیه از رکعت آخر امام و بخواهد درک فضیلت جماعت کند، نیت کند و تکبیر بگوید و بعد از آن متابعت کند امام را در سجود و تشهد و بعد از سلام امام برخیزد و از سر گیرد نماز را هر چند احوط آن است که نماز را به آن تکبیر که گفته تمام کند و بعد از آن از سر گیرد.

مسأله ۸: اگر مأموم برسد و ببیند امام در رکوع است و بترسد که هر گاه بخواهد به صف رسد و اقتداء کند امام سر از رکوع بردارد، جایز است همان جا که هست نیت کند و تکبیره الاحرام گوید و به رکوع رود و در رکوع یا بعد از سر برداشتن از آن یا در سجود یا بین سجده‌تین یا بعد از آن یا در حال قیام، رکعت بعد راه رود و خود را به صف برساند هر چند برای طلبیدن جای افضل یا برای فرار از کراهت ایستادن در صف به تنهایی یا برای غیر آنها باشد چه صف پیش روی او باشد یا پشت سر یا طرف راست یا طرف چپ، بشرط آن که راه رفتن موجب انحراف از قبله نشود و ما بین او و صف مانع دیگری نباشد از حایل یا بلندی یا پستی. بلی، آن مقدار دوری از صف که در حال اختیار جایز نیست، در این صورت ضرر ندارد بنا بر اقوی؛ در صورتی که اقتداء بر آن صادق باشد هر چند احوط دور نبودن به مقداری است که در حال اختیار جایز نباشد و در وقت راه رفتن اقوی عدم وجوب کشانیدن پاهاست، بلکه می‌تواند قدم بردارد و راه برود به نحوی که از صورت نمازگزار بیرون نرود و در حال راه رفتن، احوط ترک قرائت و ذکر واجب و غیر آن است از چیزهایی که طمأنینه در آن معتبر است و در این حکم؛ فرقی بین مسجد و غیر آن نیست.

درس ۳۶

شرایط نماز جماعت

علاوه از آن چه گذشت و آن چند امر است:

«اول» آن که ما بین امام و مأموم حایلی نباشد که مانع شود از دیدن او و هم چنین ما بین بعض مأمومین با بعض دیگر از کسانی که در صف او باشند از طرف راست یا چپ، یا کسانی که پیش روی او باشند که به واسطه‌ی آنها به امام متصل باشد. پس هر گاه چیزی ما بین آنها حایل شود به نحوی که ما بین او و امام، نه از طرف راست و نه از طرف چپ و نه از پیش رو متصل نباشد؛ جماعت باطل می‌شود هر چند در بعض حالات نماز از قیام یا قعود یا رکوع یا سجود حایل شده باشد. و در حایل فرق نیست ما بین دیوار یا غیر آن و لو آدمی که مأموم نباشد و این شرط در صورتی است که مأموم مرد باشد به خلاف آن که مأموم زن باشد و امام مرد که وجود حایل ما بین او و امام یا غیر او از مأمومین ضرر ندارد بشرط آن که حائل قدری باشد که متمکن باشد از متابعت امام، به آن که بفهمد حالات امام را از قیام و رکوع و سجود و نحو آنها؛ لکن احوط در نماز زن نیز، نبودن حایل است. و هر گاه امام هم زن باشد حکم او حکم مرد است در اشتراط نبودن حایل.

[مسئله ۱] مسأله ۱ حایل کوتاه که مانع از دیدن نباشد در احوال نماز ضرر ندارد هر چند مانع از دیدن در حال سجود باشد به طوری که اگر بنشیند امام را یا کسی را که در صف پیش روی او و لو به واسطه‌ی صفوف متصل به امام است ببیند مثل آن که حایل یک وجب یا قدری زیادتر باشد. بلی، در صورتی که به قدری بلند باشد که در حال جلوس، مانع از دیدن باشد مشکل است؛ در این صورت ترک احتیاط ننمایند.

[مسئله ۲] مسأله ۲ اگر حایل طوری باشد که در تمام حالات نماز مانع از دیدن باشد مگر در یک حال، مثل آن که بالای حایل سوراخی باشد که در حال قیام بتواند ببیند یا وسط آن که در حال جلوس یا رکوع بتواند ببیند یا پایین آن که در حال سرازیری برای سجود بتواند ببیند احوط و اقوی، عدم جواز جماعت است با چنین حایلی؛ بلکه هم چنین است اگر هر سه جا سوراخ باشد نیز، زیرا که حایل محسوب است.

[مسئله ۳] مسأله ۳ هر گاه شیشه حایل باشد که مانع از دیدن نیست، اقوی عدم جواز آن است زیرا که حایل بر آن صادق است.

[مسئله ۴] مسأله ۴ هر گاه ما بین آنها شبکه فاصله باشد، حایل محسوب نیست هر چند احوط اجتناب است خصوصاً در صورتی که سوراخهای آن تنگ باشد بلکه منع از آن، در این صورت قوی است زیرا که حایل محسوب است.

[مسأله ۵] مسأله ۵ حایل بودن بعضی مأمومین نسبت به بعضی دیگر ضرر ندارد در صورتی که برای نماز مهیا ایستاده باشند هر چند هنوز تکبیره الاحرام نگفته باشند.

[مسأله ۶] مسأله ۶ هر گاه بعضی مأمومین صف اول یا اکثر آنها به سبب طولانی بودن آن، صف امام را نبینند ضرر ندارد و هم چنین طولانی بودن هر صفی نسبت به صف پیش.

[مسأله ۷] مسأله ۷ هر گاه امام در محرابی که داخل دیوار و نحو آن است بایستد، اقتداء کردن کسانی که طرف راست و چپ محراب بایستند که دیوار ما بین آنها و امام حایل شده باطل است. بلی، اقتداء کردن کسی که مقابل باب محراب است مانعی ندارد بلکه اقتداء کسانی که در طرف راست و چپ او ایستاده‌اند و امام را نمی‌بینند صحت آن به شرط اتصال صف، اقوی است هر چند خلاف احتیاط است. و هم چنین است هر گاه صفوف جماعت زیاد باشد که به باب مسجد برسد و بیرون آن هم بایستند که اقتداء کسی که مقابل باب است بی‌اشکال است و اقتداء کسانی که طرفین او صف کشیده‌اند، اقوی صحت آن است اگر چه خلاف احتیاط است.

[مسأله ۸] مسأله ۸ حایل غیر مستقر مثل آن که انسانی یا حیوانی یا چیز دیگر از پیش روی او عبور کند، ضرر ندارد. بلی، هر گاه عبور کنندگان بسیار و متصل به یکدیگر باشند جایز نیست، زیرا که با آن که حایل مستقر نیست، مانع برقرار است.

[مسأله ۹] مسأله ۹ اگر وقت شروع به نماز حایلی موجود باشد که در حال قیام مانع از مشاهده‌ی امام نباشد و در حال رکوع یا جلوس مانع باشد و لکن می‌داند که وقت رکوع یا جلوس زایل می‌شود یا به عکس آن، احوط آن است که از اول داخل جماعت نشود زیرا که صادق است وجود حایل ما بین او و امام.

[مسأله ۱۰] مسأله ۱۰ هر گاه نماز کسانی که صف پیش هستند تمام شود و به جای خود نشسته باشند، باقی ماندن صف عقب آنها به جماعت مشکل است به جهت آن که صف پیش که مشغول نماز نیستند، حایل شده‌اند بین آنها و بین امام. بلی، هر گاه بعد از تمام شدن نماز بلافاصله برخیزند و داخل جماعت شوند دور نیست جماعت صف عقب باقی باشد.

[مسأله ۱۱] مسأله ۱۱ پرده‌ی نازک که از پشت آن سیاهی نماز گذاران دیده شود حایل محسوب است و با وجود آن اقتداء جایز نیست.

درس ۳۷

ادامه شرایط جماعت

«دوم» آن که محل ایستادن امام بلندتر از محل ایستادن مأموم نباشد به بلندی معتدّ به، دفعی مثل دگّه و نحو آن و در این شرط فرق نیست ما بین آن که مأموم کور باشد یا بینا و مرد باشد یا زن. و بلندی دفعی که کمتر از یک وجب باشد ضرر ندارد و هم چنین بلندی تدریجی که منافی صدق پهن بودن زمین نباشد ضرر ندارد به خلاف سرازیری زیاد مثل کوه که احوط در آن ملاحظه‌ی مقدار یک وجب است که جای امام زیاده از آن بلندتر نباشد. و ضرر ندارد که جای مأموم بلندتر از جای امام باشد هر چند بسیار بلند باشد.

«سوم» آن که ما بین مأموم و امام یا ما بین مأموم و مأمومین دیگر که از طرف راست یا چپ یا پیش روی او به واسطه‌ی صفوف متّصل به امام باشند، آن قدر دور نباشد که در عادت، دوری زیاد محسوب شود و احوط آن است که ما بین سجده‌گاه مأموم و جای ایستادن امام یا جای ایستادن صف پیش روی او و لو به وسایط متّصل به امام است، زیاده از یک گام بلندتر نباشد و این احتیاط ترک نشود و احوط از آن، آن است که میان آنها زیاده از یک گام متعارف نباشد و افضل، بلکه احوط آن است که سجده‌گاه او متّصل به جای ایستادن صف پیش باشد.

[مسأله ۱] مسأله ۱ هر گاه در اثناء نماز جماعت دوری مانع پیدا شود جماعت باطل می‌شود و نماز دور افتادگان منفرد می‌شود و اگر ملتفت دوری نشود و بر نیت اقتداء باقی بماند، پس اگر کارهائی که از مختصات جماعت و منافی نماز فرادی باشد مثل زیادی رکوع یا سجود به قصد متابعت و نحو آن به جا آورده، نماز باطل است و الّا صحیح است.

[مسأله ۲] مسأله ۲ اگر نماز صف پیش تمام شود به سبب آن که نماز قصر بوده یا عدول به فرادی کرده باشند، اقتداء صف عقب باطل می‌شود به سبب دوری بنا بر اقوی مگر در صورتی که اهل صف پیش که نمازشان تمام شده، بلا فاصله دو مرتبه اقتداء کنند چنانچه اقتداء آنها باطل می‌شود به سبب حایل شدن آنها مگر آن که به اقتداء مرتفع شود.

[مسأله ۳] مسأله ۳ مأمومین صفوف پیش، اگر مهیای جماعت شوند، جایز است برای مأمومین صف متأخر تکبیره الاحرام گویند قبل از تکبیره الاحرام صف پیش، پس دوری ما بین او و امام یا متّصل به امام به فاصله شدن کسانی که مهیای جماعتند ضرر ندارد چنانچه حایل شدن آنها، ضرر ندارد هر چند خلاف احتیاط است.

[مسأله ۴] مسأله ۴ اگر معلوم شود که نماز صف پیش باطل بوده، اقتداء صفوف متأخره باطل است به سبب دوری یا حیلولة هر چند در حال نماز، ملتفت به بطلان آنها نشوند. بلی، در صورتی که بطلان آنها معلوم نشود حمل بر صحت کنند و بر فرض آن که در واقع نماز آنها باطل باشد ضرر ندارد، چنانکه ضرر ندارد بطلان اقتداء صف متقدّم به موجب تقلید صفوف متأخر در صورتی که به موجب تقلید خودشان صحیح باشد.

[مسأله ۵]

مسأله ۵ فاصله شدن طفل ممیز در صف ضرر ندارد مادامی که بطلان نماز او را نداند.

[مسأله ۶]

مسأله ۶ تمکین کودکان از صف اول بنا بر مشهور مکروه است اگر چه ممیز باشند.

[مسأله ۷]

مسأله ۷ اگر شک کند در حدوث دوری در اثناء نماز، بنا گذارد که حادث نشده و اگر شک کند که از اول نماز اتصال محقق شده یا نه؟ باید احراز کند که اتصال بوده مگر در صورتی که مسبوق به اتصال باشد مثل آن که نزدیک باشد به امامی که می‌خواهد به او اقتداء کند و شک کند در آن که امام از جای خود پیشتر رفته یا نه؟

«چهارم» آن که جای ایستادن مأموم مقدم بر محل ایستادن امام نباشد در تمام نماز، پس هر گاه در ابتداء نماز یا اثناء آن بر امام مقدم شود نماز او باطل می‌شود اگر باقی بماند به نیت جماعت و احوط آن است [که] از امام عقب‌تر بایستد هر چند جایز است مساوی یکدیگر بایستند بنا بر اقوی. و بر فرض تأخر یا تساوی، ضرر ندارد که مأموم مثلاً بواسطه طول قامت سر یا زانوی او در حال رکوع یا سجود یا جلوس، از امام جلوتر باشد هر چند احوط مراعات مقدم نشدن تمام بدن مأموم است در جمیع حالات نماز. و مدار در تقدم و مساوات و تأخر بر صدق عرفی است.

[مسأله ۸]

مسأله ۸ جماعت گذاردن در صفی که مستدیر باشد دور کعبه، جایز است بنا بر اقوی و احوط مقدم نشدن مأموم است بر امام به حسب دایره. و احوط از آن، آن است که مأموم به کعبه نزدیک‌تر نباشد از امام و احوط از آن مقدم بودن امام است بر مأموم به حسب دایره و نزدیک‌تر بودن اوست به کعبه نیز.

درس ۳۸

احکام جماعت

[مسئله ۱] مسأله ۱ احوط آن است که مأوم در دو رکعت اول از نماز اخفاتی، ترک قرائت کند در صورتی که در آن دو رکعت با امام باشد اگر چه اقوی، جواز قرائت با کراهت است. و بر فرض آن که ترک قرائت کند، مستحب است که مشغول تسبیح و تحمید الهی و صلوات بر محمد و آل او باشد و در دو رکعت اول نماز جهریه، اگر صدای امام را در قرائت، مهممی او را بشنود باید ترک قرائت کند بلکه احوط و اولی آن است که در حال قرائت او ساکت باشد و قرائت را گوش کند اگر چه اقوی جواز مشغول بودن به ذکر و نحو آن است در آن حال. و هر گاه صدای امام و لو مهممی او را نشنود جایز است برای او قرائت حمد و سوره، بلکه استحباب آن قوی است و احوط آن است قرائت کند به قصد قربت مطلقه بدون قصد جزئیت؛ هر چند اقوی جواز آن است به قصد جزئیت نیز. و در دو رکعت اخیره‌ی نماز اخفاتی و جهری مثل منفرد است که واجب است به وجوب تخییری در آن بین قرائت حمد تنها یا تسبیحات اربعه چه امام در آنها قرائت کند یا تسبیحات بگوید و چه مأوم قرائت او را بشنود یا نه.

[مسئله ۲] مسأله ۳ هر گاه بعض قرائت امام را بشنود؛ احوط ترک قرائت است مطلقاً.

کیفیت متابعت مأوم از امام در احکام

[مسئله ۳] مسأله ۳ جایز نیست مقدم شود بر امام در افعال نماز بلکه متابعت امام در افعال واجب است به آن که افعال نماز را مقارن امام یا بعد از او به جا آورد و لکن جایز نیست مؤخر دارد به تأخیر فاحش.

[مسئله ۴] مسأله ۴ متابعت، واجب تعبّدی است و شرط صحت اقتداء نیست پس در صورتی که افعال را قبل از امام به جا آورد عمداً یا مؤخر دارد از او به تأخیر فاحش، گناه کار است و لکن نماز او صحیح است هر چند احوط اتمام و اعاده‌ی نماز است خصوصاً در صورتی که دو رکن از ارکان نماز یا یک رکن را مقدم یا مؤخر دارد. بلی، اگر مقدم یا مؤخر دارد به نحوی که هیئت جماعت به هم خورد اقتداء او باطل می‌شود.

[مسئله ۵] مسأله ۵ هر گاه پیش از امام سر از رکوع یا سجود بردارد سهواً یا به گمان آن که امام سر برداشته بردارد و معلوم شود که هنوز سر برنداشته، واجب است بر او به قصد متابعت برگردد به رکوع یا سجود و زیادتی رکن در جماعت در چنین مقامی مغتفر است و هر گاه برنگردد گناه کار است ولی نماز او صحیح است لکن احوط اعاده‌ی نماز است بعد از اتمام آن؛ بلکه احتیاط به اعاده ترک نشود در صورتی که پیش از ذکر واجب سر بلند کرده باشد و با وجود فرصت، متابعت را ترک کند. و هر گاه در این مقام سهواً یا به گمان آن که فرصت متابعت ندارد متابعت را ترک کند، اعاده واجب نیست هر چند پیش از ذکر واجب سر از رکوع یا سجود بلند کرده باشد. و هر گاه عمداً پیش از امام سر از رکوع یا سجود بلند کرده

باشد جایز نیست متابعت کند و اگر متابعت کند عمداً نماز او باطل می‌شود به سبب زیادتی عمدی، بلکه در رکوع یا هر دو سجده اگر سهواً متابعت کند نیز مبطل نماز است زیرا که رکن زیاد شده به خلاف متابعت سهویه در یک سجده که مبطل نماز نیست.

[مسأله ۶] مسأله ۶ اگر مأموم عمداً پیش از امام به رکوع یا سجود رود، جایز نیست برگردد و متابعت امام کند زیرا که زیادتی عمدی می‌شود به خلاف آن که سهواً پیش از امام به رکوع یا سجود رود که واجب است متابعت امام نماید به آن که برگردد به قیام یا جلوس و بعد از آن با امام به رکوع یا سجود رود و احوط آن است که در هر دو رکوع یا دو سجود ذکر واجب را بگوید و اگر عمداً یا سهواً ترک متابعت کند، نمازش باطل نیست هر چند به ترک متابعت عمدی گناه کار است. بلی، اگر در حال قرائت امام به رکوع رفته باشد و ترک متابعت کند، احوط بطلان و اعاده‌ی نماز است چنانچه هر گاه عمداً در حال قرائت امام به رکوع رود اقوی، بطلان نماز است زیرا که ترک قرائت نموده و بدل آن که قرائت امام باشد، به عمل نیامده. چنانکه اگر قبل از امام سر از رکوع بلند کند عمداً پیش از آن که ذکر آن را بگوید نمازش باطل است به سبب ترک ذکر واجب.

[مسأله ۷] مسأله ۷ هرگاه امام از نماز فارغ شود و مأموم در حال تشهد یا در سلام اول باشد لازم نیست نیت فرادا کند بلکه او عرفاً بر اقتدا باقی است.

[مسأله ۸] مسأله ۸ کسی که مثلاً به رکعت دوم اقتداء کرده بعد از سجده‌ی دوم از رکعت چهارم امام که سوم او است جایز است برخیزد و رکعت دیگر خود را به جا آورد و لکن مستحب است در تشهد و سلام، متابعت امام کند و به طور تجافی بنشیند تا امام سلام گوید آن وقت برخیزد، رکعت دیگر خود را به جا آورد.

[مسأله ۹] مسأله ۹ بر مأموم واجب نیست در دو رکعت اول از نماز جهری که صدای امام را می‌شنود قرائت امام را گوش دهد لکن احوط است.

درس ۳۹

ادامه احکام جماعت

متابعت مأموم از امام در اقوال

[مسئله ۱] مسأله ۱ واجب نیست مأموم متابعت امام کند در اقوال پس نباید اقوال نماز را بعد از امام یا با امام بگوید چه اقوال واجبه چه مندوبه، چه مأموم اقوال را شنیده باشد یا نشنیده باشد هر چند احوط آن است که بعد از امام بگوید خصوصاً در صورتی که بشنود به خصوص در سلام نماز. و بر هر تقدیر، اگر عمداً پیش از امام سلام بگوید نمازش باطل نیست و اگر سهواً بگوید اعاده‌ی آن واجب نیست. بلی، جایز نیست مأموم تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید بلکه احوط آن است که بعد از امام بگوید؛ به آن که شروع نکند به آن مگر بعد از فارغ شدن امام از تکبیر هر چند در وجوب آن تأمل است.

[مسئله ۲] مسأله ۲ اگر پیش از امام تکبیره الاحرام بگوید سهواً یا به گمان آن که امام تکبیر گفته و نگفته باشد، باید نماز خود را منفرداً تمام کند و اگر بخواهد نماز جماعت کند، عدول کند نماز خود را به نماز نافله و آن را تمام کند یا قطع آن کند.

[مسئله ۳] مسأله ۳ جایز است مأموم شش تکبیر افتتاحیه را پیش از تکبیره الاحرام امام بگوید هر چند امام، تکبیرات افتتاحیه را نگوید و لکن تکبیره الاحرام را پیش از امام نگوید.

[مسئله ۴] مسأله ۴ جایز است برای امام که ذکر رکوع و سجود را پیش از امام بگوید، چنانچه اگر امام ترک کند بعضی اذکار مستحبه را مثل تکبیر رکوع و سجود و بحول اللّٰه و قوته و نحو آنها را جایز است مأموم آنها را بگوید.

[مسئله ۵] مسأله ۵ اگر مأموم سهواً به رکوع رود و ببیند که امام مشغول قنوت است در رکعتی که قنوت ندارد، واجب است بر مأموم که از رکوع برخیزد و لکن بایستد و قنوت نخواند. و هم چنین اگر سهواً پیش از امام بایستد و ببیند امام نشسته و در غیر محل، تشهد می‌خواند باید متابعت کند بنشیند و لکن با او تشهد نخواند و هم چنین در نظایر آن.

[مسئله ۶] مسأله ۶ امام تحمّل نمی‌کند از مأموم هیچ چیز از افعال نماز را غیر قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم در صورتی که در آن دو رکعت داخل جماعت شده باشد، به خلاف رکعت سوم و چهارم که بر مأموم واجب است حمد یا تسبیحات اربعه بخواند، هر چند امام در آن دو رکعت قرائت بخواند و مأموم قرائت را بشنود. و هر گاه مأموم رکعت اول و دوم امام را درک نکند بلکه اقتداء کند در رکعت سوم یا چهارم امام، باید حمد و سوره را قرائت کند زیرا که آنها رکعت اول و دوم اوست و اگر امام مهلت ندهد که حمد و سوره هر دو را در آن بخواند اکتفاء کند به حمد تنها و سوره را ترک کند و

با امام به رکوع رود و اگر امام فرصت ندهد و پیش از تمام شدن حمد او به رکوع رود، احوط آن است که حمد را تمام کند و بعد از آن به رکوع رود و در سجده به امام برسد یا آن که قصد انفراد کند؛ هر چند جایز است که حمد را قطع کند و با امام به رکوع رود و لکن در این صورت ترک نکند احتیاطاً به اعاده‌ی نماز را.

[مسئله ۷] مسأله ۷ اگر امام را در رکعت دوم درک کند، قرائت حمد و سوره از مأوموم در آن رکعت ساقط است و در قنوت و تشهد، متابعت امام کند و در حال تشهد احوط آن است تجافی کند، به آن که زانوها را از زمین بلند کند و دو کف دست را بر زمین گذارد و بر آن تکیه کند چنانچه احوط آن است که در آن حال بدل تشهد، سبحان اللّٰه بگوید هر چند اقوی جواز خواندن تشهد بلکه استحباب آن است. و در رکعت سوم امام که دوم مأوموم است باید حمد و سوره بخواند و قنوت که مستحب است به جا آورد در صورتی که امام او را مهلت دهد و الا قنوت را ترک کند و اگر فرصت سوره هم نداشته باشد اکتفاء به حمد تنها کند و اگر پیش از تمام شدن حمد، امام به رکوع رود، یکی از سه کار کند: یا حمد را تمام کند و در سجده به امام برسد یا از همان جا قصد فرادی کند و نماز خود را تمام کند یا آن که حمد را قطع کند و با امام به رکوع رود و بعد از اتمام نماز، اعاده کند آن را.

[مسئله ۸] مسأله ۸ مراد ما به مهلت ندادن امام که موجب جواز ترک سوره است آن است که پیش از شروع کردن مأوموم به سوره یا قبل از اتمام آن، امام به رکوع رود هر چند ممکن باشد سوره را تمام کند و پیش از آن که امام سر از رکوع بردارد به رکوع رود پس به مجرد آن که امام به رکوع رفت جایز است سوره را ترک کند و با امام به رکوع رود و واجب نیست مشغول سوره شود تا اواخر رکوع امام، آن وقت به رکوع رود هر چند احوط خواندن سوره است تا وقتی که بترسد که بر فرض اشتغال به سوره به رکوع امام نرسد و مادامی که مطمئن است؛ به آن که امام سر بلند نمی‌کند، سوره را ترک نکند و آن را قطع ننماید.

[مسئله ۹] مسأله ۹ اگر مأوموم اعتقاد کند که امام او را مهلت می‌دهد که قرائت را تمام کند و قرائت کرد و به رکوع امام نرسید نماز او باطل نمی‌شود بلکه ظاهر، باطل نشدن نماز است در صورتی که بداند به رکوع امام نمی‌رسد و عمداً قرائت سوره را ترک نکند بلکه اگر با علم به درک نکردن رکوع امام، قنوت را عمداً ترک نکند، نماز او باطل نمی‌شود ظاهراً.

[مسئله ۱۰] مسأله ۱۰ واجب است مأوموم قرائت خود را آهسته بخواند هر چند در نماز جهری باشد چه در قرائت استحبابی مثل آن که در دو رکعت اول نماز جهری، صدای قرائت امام را نشنود و چه در قرائت وجوبی، مثل مأوموم مسبوق که به رکعت دوم یا سوم امام برسد که باید خود قرائت کند و هر گاه جهلاً یا نسیاناً بلند بخواند نمازش باطل نمی‌شود و دور نیست مستحب باشد «بسم اللّٰه» آن را بلند بخواند.

درس ۴۰

ادامه احکام جماعت

[مسئله ۱] مسأله ۱ اگر مأوم در رکعت سوم یا چهارم امام، پیش از رکوع اقتداء کند باید حمد و سوره بخواند اگر امام او را مهلت دهد و آلا به حمد تنها اکتفاء کند چنانچه گذشت. و اگر بداند اگر پیش از رکوع اقتداء کند امام او را مهلت نمی‌دهد که حمد را تمام بخواند، احوط آن است که تأمل کند تا امام به رکوع رود آن وقت تکبیره الاحرام بگوید و با امام به رکوع رود و قرائت از او ساقط است.

الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، ج ۲، ص: ۵۸

[مسئله ۲] مسأله ۲ اگر کسی ببیند جماعت منعقد است و لکن نداند که رکعت چندم امام است جایز است پیش از رکوع اقتداء کند و به قصد قربت حمد و سوره بخواند تا اگر معلوم شود رکعت اول و دوم امام بوده ضرر نداشته باشد و اگر رکعت سوم یا چهارم او باشد قرائت او به محل واقع شده باشد.

[مسئله ۳] مسأله ۳ اگر گمان کند که امام در رکعت اول یا دوم است و قرائت نخواند و پیش از رکوع معلوم شود در آخرین بوده باید قرائت بخواند اگر چه حمد تنها باشد و خود را به امام برساند. و اگر در رکوع معلوم شود نماز او صحیح است و اگر خیال کند که امام در آخرین است و اقتداء کند و قرائت بخواند و ظاهر شود که در رکعت اول بوده، ضرر ندارد و هر گاه در اثناء قرائت ظاهر شود تمام کردن آن لازم نیست.

[مسئله ۴] مسأله ۴ اگر مشغول نافله باشد و جماعت برپا شود و اگر بخواهد نافله را تمام کند بترسد که جماعت اگر چه رکعت اول آن از او فوت شود، جایز است آن را قطع کند بلکه قطع آن مستحب است هر چند پیش از تکبیره الاحرام امام باشد. و اگر مشغول به نماز فرادی باشد و جماعت برپا شود و بترسد اگر آن را تمام کند جماعت از او فوت شود؛ مستحب است عدول کند آن را به نافله و به دو رکعت، سلام گوید اگر از محل عدول نگذشته، به آن که داخل رکوع سوم نشده باشد و احوط ترک عدول است در صورتی که داخل قیام رکعت سوم شده هر چند به رکوع نرفته باشد و اگر بعد از عدول به نافله، بترسد که بر فرض تمام کردن آن، جماعت رکعت اول آن فوت می‌شود جایز است قطع کند بنا بر اقوی هر چند احوط قطع نکردن آن است اگر چه یک رکعت یا دو رکعت جماعت از او فوت شود بلکه هر گاه بداند که اگر عدول به نافله کند و آن را تمام کند به جماعت آن نماز نمی‌رسد، اولیٰ و احوط ترک عدول و اتمام فریضه است و بعد از آن اگر ممکن باشد و بخواهد فضیلت جماعت را درک کند آن نماز را به جماعت اعاده کند

[مسئله ۵] مسأله ۵ جایز است مجتهدی یا مقلد او به مجتهد یا مقلد دیگری اقتداء کنند هر چند در مسائل ظنیه که متعلق به نماز است با یکدیگر مختلف باشند در صورتی که آن چه محل خلاف است استعمال نکنند. و در عمل متحد باشند مثلاً

اگر فتوای یک کدام به اجتهاد یا تقلید، وجوب سوره است و رأی دیگری عدم وجوب آن؛ جایز است اول به دوم اقتداء کند در صورتی که سوره را هر چند واجب نداند بخواند و هم چنین هر گاه یکی از آنها تکبیر رکوع یا جلسه‌ی استراحت یا تسبیحات اربعه را در دو رکعت اخیر سه مرتبه واجب می‌داند جایز است اقتداء کند به کسی که آنها را واجب نمی‌داند و لکن مستحباً به جا می‌آورد، بلکه جایز است اقتداء کردن در صورتی که در عمل نیز مخالف باشند در غیر آن چه تعلق دارد به قرائت دو رکعت اول نماز که امام تحمّل می‌کند از مأموم به این معنی که هر کدام به مقتضای رأی خود رفتار کنند. بلی، جایز نیست اقتداء کردن کسی که چیزی را واجب بداند قطعاً به امامی که آن را واجب نداند و آن را به جا نیآورد در صورتی که به جا نیآوردن آن موجب اعاده‌ی نماز باشد زیرا که در این صورت مأموم، نماز امام را به سبب ترک آن چیز باطل می‌داند به علم قطعی و اقتداء به نماز باطل، جایز نیست به خلاف صورتی که در مسائل ظنیه مخالف یکدیگر باشند که در این صورت اقتداء جایز است هر چند در عمل نیز مخالف هم باشند زیرا که اعتقاد هر کدام از آنها حکم اللّٰه است در حق او و نمی‌رسد دیگری را که حکم به بطلان نماز او کند بلکه هر دو حکم شرعی هستند و اما در آن چه متعلق به قرائت است که امام تحمّل از مأموم می‌کند و ضامن او است پس مشکل است زیرا که ضامن به اعتقاد مضمون عنه از عهده‌ی ضامن او خارج نشده مثلاً اگر امام معتقد باشد که سوره واجب نیست و ترک کند آن را، پس اقتداء کسی که آن را واجب می‌داند به او مشکل است و هم چنین است در صورتی که قرائت امام به اعتقاد خودش صحیح و به اعتقاد مأموم باطل باشد به سبب ترک ادغام لازم یا مدّ لازم و امثال آن. بلی، ممکن است بگوئیم که نماز او صحیح و اقتداء به او جایز است به شرط آن که سوره را که امام ترک کرده مأموم خودش بخواند یا آن که کلمه را که امام غلط گفته مأموم صحیح بگوید بلکه محتمل است کسی بگوید که قرائت بر عهده‌ی امام است و کفایت می‌کند که به موجب اعتقاد خودش از عهده‌ی آن خارج شود ولی مشکل است و باید احتیاط به ترک اقتداء، نشود.

درس ۴۱

ادامه احکام جماعت

[مسئله ۱] اگر کسی عالم شود به بطلان نماز امام مثل آن که بداند که محدث است یا آن که رکنی را ترک کرده، جایز نیست اقتداء کند به او هر چند امام به سبب عدم اطلاع یا سهو و نحو آن معتقد به صحت نماز خود باشد.

[مسئله ۲] اگر بعد از نماز معلوم شود که امام فاسق یا کافر یا محدث بوده یا رکنی را در نماز ترک کرده و مأموم رکن را به جا آورده یا آن که امام نجاست غیر معفو را که در بدن یا لباس او بوده فراموش کرده، جماعت باطل است لکن نماز مأموم صحیح است به شرط آن که به قصد متابعت رکنی زیاد نکرده باشد یا غیر رکن از چیزهایی که منخل است به نماز منفرد. و اگر در اثناء معلوم شود باید قصد انفراد کند و هر گاه محل قرائت نگذشته بخواند. و هم چنین است اگر بعد از نماز معلوم شود که امام زن بوده که اقتداء مرد به او جایز نیست یا مجنون بوده یا طفل بوده، اگر قائل شویم به عدم صحت امامت صبی، لکن اعاده‌ی نماز در فرض اخیر بلکه در فرض اول نیز که اقتداء به فاسق و کافر و نحو آن باشد احوط است.

[مسئله ۳] اگر امام واجبی از واجبات نماز را فراموش کند و مأموم در اثناء نماز بر آن مطلع نشود نماز مأموم صحیح است هر چند فراموش شده رکن باشد در صورتی که مأموم جزئی را که نسیان آن موجب بطلان نماز باشد فراموش نکند و هر گاه مأموم در بین نماز بر نسیان امام مطلع شود؛ آگاه کند امام را تا تدارک کند جزء فراموش شده را اگر محل آن باقی باشد و هر گاه ممکن نباشد که به امام بفهماند یا امام متنبه نشود یا مأموم تنبیه نکند امام را به جهت آن که بر مأموم واجب نیست، باید قصد انفراد کند در صورتی که جزء فراموش شده رکن باشد یا قرائت، در مورد تحمّل امام باشد و تدارک آن برای مأموم ممکن باشد به آن که پیش از رکوع مطلع شود به خلاف صورتی که جزء فراموش شده غیر رکن و غیر قرائت باشد یا آن که قرائت باشد و لکن مأموم بعد از دخول رکوع بر آن مطلع شود که تدارک قرائت ممکن نباشد که اقوی جواز باقی ماندن بر اقتداء است هر چند احوط انفراد یا اعاده بعد از اتمام است.

[مسئله ۴] اگر امام بفهمد که نماز او به سبب حدث یا ترک شرط رکنی یا جزء رکنی و نحو آن باطل شده پس هر گاه بعد از فراغ مطلع شود، واجب نیست مأمومین را اعلام کند به خلاف آن که در اثناء، بطلان را بفهمد که ظاهر وجوب اعلام ایشان است.

[مسئله ۵] اگر امام با یقین به دخول وقت داخل نماز شود و مأموم بداند که وقت داخل نشده یا شاک در دخول آن باشد، جایز نیست به او اقتداء کند. بلی، هر گاه مأموم در اثناء نماز امام، یقین کرد به دخول وقت، اقتداء به آن نماز جایز است مگر در صورتی که امام فراموش کرده که مراعات وقت کند یا به ظن غیر معتبر داخل نماز شده باشد که جایز نیست بعد از یقین به دخول وقت، اقتداء به آن نماز، زیرا که نماز او در واقع باطل است و دخول وقت در اثناء نماز در این صورت

فائده ندارد زیرا که حکم به صحت نماز با دخول وقت در اثناء، مختص به صورتی است که با یقین یا ظنّ معتبر به دخول وقت، داخل نماز شده باشد.

[مسأله ۶] مسأله ۶ اگر مأموم اعتقاد کند که امام او را مهلت می‌دهد که قرائت را تمام کند و قرائت کرد و به رکوع امام نرسید نماز او باطل نمی‌شود بلکه ظاهر، باطل نشدن نماز است در صورتی که بداند به رکوع امام نمی‌رسد و عمداً قرائت سوره را ترک نکند بلکه اگر با علم به درک نکردن رکوع امام، قنوت را عمداً ترک نکند، نماز او باطل نمی‌شود ظاهراً.

درس ۴۲

شرایط امام جماعت

بدان که شرایط امام چند چیز است: اول، بلوغ. دوم، عقل. سوم، ایمان. چهارم، عدالت. پنجم، طهارت مولد. ششم، مرد بودن در صورتی که مأمومین یا بعض آنها مرد باشند. هفتم، برای مأمومین ایستاده، امام نشسته نباشد و برای مأمومین که نشسته نماز می‌کنند [می‌خوانند] امام خوابیده نباشد. هشتم، صحیح القراءه بودن. پس کسی که قرائت او درست نیست به آن که حرفی را از مخرج اداء نکند یا بدل کند آن را به حرف دیگر، یا حرفی را بیندازد و نحو آن یا اعراب آن را غلط بخواند هر چند نتواند درست بخواند، امامت نکند.

[مسأله ۱] مسأله ۱ اقتداء کردن نشسته و خوابیده، به نشسته و خوابیده، به خوابیده ضرر ندارد.

[مسأله ۲] مسأله ۲ اقتداء متوضی به متیمم یا به صاحب جیره یا به کسی که به سبب عذر با نجاست بدن یا لباس، نماز می‌خواند ضرر ندارد بلکه ظاهر جواز اقتداء به مسلوس و مبطون و جواز اقتداء طاهره به مستحاضه است.

[مسأله ۳] مسأله ۳ جایز است اقتداء کردن به امامی که نتواند حروف را به کمال فصاحت اداء کند اگر قرائت او صحیح باشد هر چند مأموم از او افصح باشد.

[مسأله ۴] مسأله ۴ کسی که قرائت او صحیح نیست اقتداء کردن بر او واجب نیست هر چند احوط است. بلی، کسی که قادر باشد بر تعلم و وقت تعلم مضیق شود، اقتداء بر او واجب است.

[مسأله ۵] مسأله ۵ جایز است امامت زن برای زن و جایز نیست برای مرد و خنثی.

[مسأله ۶] مسأله ۶ جایز است امامت غیر بالغ برای مثل خود.

[مسأله ۷] مسأله ۷ معنی عدالت امام، آن است که ملکه‌ی راسخه داشته باشد که بتواند اجتناب کند از گناهان کبیره و از اصرار بر صغائر و از منافیات مروّت، که ارتکاب آن دلالت کند بر بی‌مبالاتی به دین. و کفایت می‌کند حسن ظاهری که کاشف ظنی باشد از وجود ملکه.

[مسأله ۸] مسأله ۸ گناه کبیره آن است که کبیره بودن آن به نص ثابت شود، یا در کتاب و سنت وعده‌ی آتش به مرتکب آن داده شده، یا آن که در کتاب یا سنت وارد شده که آن گناه، اعظم از گناهی است که کبیره بودن آن به نص یا وعده‌ی آتش بر آن ثابت شده، یا نزد اهل شرع بزرگ شمرده شود.

[مسأله ۹] مسأله ۹ عدالت ثابت می‌شود به شهادت عدلین در صورتی که معارض نباشد به شهادت دو عادل، بلکه به شهادت یک عادل به فسق او.

[مسأله ۱۰] مسأله ۱۰ اخبار جماعت مجهول‌العداله به عدالت کسی که سبب حصول اطمینان باشد در جواز اقتداء کافی است بلکه کفایت می‌کند اطمینان حاصل از شهادت یک عادل یا حاصل از اقتداء عدلین به او یا حاصل از اقتداء جماعت مجهول‌الحال به او و وثوق و اطمینان از هر چه پیدا شود کافی است به شرط آن که اطمینان‌کننده، اهل فهم و خبره و بصیرت باشد و معرفت به مسائل شرعیه داشته باشد نه از جهال و نه [از] کسانی که به ادنی چیزی اطمینان برای آنها حاصل می‌شود مثل بسیاری از مردم.

[مسأله ۱۱] مسأله ۱۱ اگر کسی از عادل‌ی گناه کبیره ببیند، جایز نیست به او اقتداء کند مگر آن که توبه کند و ملکه‌ی عدالت او باقی باشد که در این صورت به ارتکاب معصیت از عدالت خارج و به توبه به عدالت برمی‌گردد.

[مسأله ۱۲] مسأله ۱۲ کسی که خود را عادل نمی‌داند احوط آن است که اقدام نکند به امامت، هر چند اقوی جواز آن است.

[مسأله ۱۳] مسأله ۱۳ هنگامی که شناخت پیدا کرد به عدالت امام سپس در ایجاد فسق در او شک کرد، جایز است به او اقتداء کند بنا بر استصحاب، و همچنین است اگر دید چیزی را و شک کرد در عدالت امام که موجب فسق است یا نه.